

مؤلفه‌های ادبیات تعلیمی در اشعار کودکانه مصطفی رحماندوست و احمد شوقی

آیدا دانائی^۱، محمد شایگان‌مهر^{۲*} و فربرز حسین جانزاده^۳

چکیده

ادبیات تعلیمی، بارزترین دغدغه شاعران و نویسندگان معاصر است. امروزه شعر کودک چهره جدیدی از خود را به جهانیان به نمایش گذاشته و از لحاظ ساختاری، بیان، وسعت خیال و تصویرآفرینی، شیوه‌ای نوین را در سبک و سیاق خود در پیش گرفته است. پژوهش در مورد ادبیات و شعر کودک را می‌توان به دو قرن اخیر حواله داد. به گونه‌ای که قرن بیستم را «قرن کودک» نامیده‌اند. شعر کودک، زبانی خیال‌انگیز و موزون دارد و بیشتر شیفته موسیقی کلام است و به تدریج با معنا انس می‌گیرد. شعر کودک به گونه‌ای است که بدون آموزش مستقیم، سطح دانش فرهنگی و اجتماعی و ذوق و استعداد آنان را بالا می‌برد چرا که از زندگی خود کودک گرفته شده است. احمد شوقی و مصطفی رحماندوست از شاعران شعر کودک هستند، که مضامین تعلیمی و تربیتی را در اشعار خود گنجانده‌اند. هر دو با زبانی ساده و کودکانه بسیاری از آموزه‌های تعلیمی را به کار برده‌اند. مضامین تعلیمی، تربیتی، آموزه‌های دینی، قرآنی، میهنی، استقامت، حمایت، صداقت و دیگر مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که در این مقاله به آنها خواهیم پرداخت. این پژوهش با استفاده از روش مکتب فرانسوی، مکتبی که به تأثیرگذاری ملت‌ها و پیوندهای ادبی آنان در محدوده زمانی یکسانی می‌پردازد و بر خلاف دیگر مکاتب به آثار از دید زیباشناسی اهمیت چندانی نمی‌دهد به نگارش در آمده است، و سعی شده است تا با استفاده از این مکتب جلوه‌ای از تعلیمی بودن اشعار و برخی از شباهت‌ها و تفاوت‌های هر دو شاعر را بیان نماییم.

کلید واژه‌ها: ادبیات تعلیمی، شعر کودکانه، رحماندوست، شوقی.

^۱ - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب، واحد کاشمر، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشمر، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کاشمر، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشمر، ایران. (نویسنده مسئول)

Shaygan47@gmail.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کاشمر، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشمر، ایران.

مقدمه

کودک نگاه خداوند بر بندگان است و همه ما باید در تربیت و رشد هر چه بهتر وی تمام تلاش خود را به کار ببریم و بتوانیم هر آنچه را که از حد اقلیت یک زندگی آرامش بخش است، برای وی ایجاد کنیم. کودکان هر آنچه را که در اطرافشان اتفاق می‌افتد همچون آیینی از زندگی می‌نگرند. ماهیت طبیعت در زندگی کودک نقشی اساسی دارد و در این میان شاعر نقش کودکی را ایفا می‌کند که توانایی انتخاب دارد و تصوراتش را به شکلی شگفت‌انگیز به نمایش می‌گذارد. تمایل کودک از گفت‌وگو با اجزاء جدایی‌ناپذیر است و از متن‌هایی که درختان و حیوانات صحبت می‌کنند، الهام می‌گیرد. (ر.ک، خلیفه سلمان، ۲۰۱۵-۲۰۰۳: ۴۰۱-۴۰۰) شعر کودک با زبان، ساختار و درون‌مایه ویژه پیشینه اندکی در گستره ادبیات جهان دارد، پس شعر بر اساس تعلیم و تربیت در نزد شاعران زنده شد، اما هم‌چنان شعری به نام «شعر کودک» خلق نشده بود. به یقین نخستین تلاش‌ها در پایه‌گذاری این نوع ادبی در ادبیات عربی را می‌توان به رفاعه طه‌طوی نسبت داد. گام بزرگ در نوشتن و سرودن در باب ادبیات کودک در ادب نوین عربی با همت احمد شوقی برداشته شد. در ایران نیز به موجب تغییرات فرهنگی و دیدگاهی، اشخاصی چون یحیی دولت‌آبادی شعرهایی سرودند که لحن و تمامی ساده‌گون نداشت، اما در کتاب‌های درسی استفاده می‌شد. شاعرانی در عصر حاضر پدیدار گشتند از جمله مصطفی رحماندوست که به این موضوع توجه کردند و اشعاری را برای کودکان سرودند..

تعریف ادبیات و ادبیات کودک

کتاب‌های لغت، ادبیات را دانش متعلق به ادب در معنای مورد نظر ما تعریف می‌کنند و برای آن انواع و اقسامی قائلند. علم ادب را معرفت به احوال نظم و نثر از حیث درستی و نادرستی آن می‌دانند. از خصایص بشر، استعداد خاص تفکر و ارتباط با هم‌نوعان است. تعریف ادبیات کودک با ادبیات به طور عام تفاوتی ندارد، اما توجه به ملاحظات سنی و داشتن کمترین تجربه و گنجینه لغات دارای ممیزاتی است که باید آنان را در نظر گرفت. در ایران و مصر، تعریف ادبیات و ادبیات کودک با وجود شباهت‌ها و نزدیکی در فرهنگ، تفاوت‌هایی دارند. سیمای کودک در

ادبیات کهن عربی بسیار کم سوست. اما بعد از پژوهش‌هایی که در سده‌های اخیر انجام شد دانش جدید روانشناسی کودک در کنار نظریات تربیتی جدید بروز یافت. (سلیمانی، ۱۳۷۰: ۵۰) مصر پرچمدار ادبیات کودک در دنیای معاصر عرب شد، زیرا؛ اولین پیشگامان در عرصه کودک در قرن نوزدهم، از این کشور بودند. (زلط، ۱۹۹۴: ۲۷) در ایران دو دیدگاه نسبت به ادبیات وجود داشت و ادبیات قدیم را از جدید جدا می‌دانستند. در گذشته ایران کتابی ویژه کودک نبود، گرچه کتابی از زبان بزرگترها در حکم امر و نهی وجود داشته است چه بسا کارایی که از آن انتظار می‌رفت را نداشت. (ملکیان، ۱۳۸۵: ۱۳۹) مصطفی رحماندوست به ادبیات کودک روی می‌آورد. «هر کتابی که با توجه به مقتضیات سنین مخاطبان و جاذبه هنری رعایت شود، می‌تواند کتابی کودکانه و از آن کودکان باشد». (مصاحبه حضور، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷) آن چه حائز اهمیت است و هر دو شاعر به آن توجه ویژه داشته‌اند، تربیت و آموزش کودک است که با گذران کودکی باید آن را فراگیرد و آن را به نسل بعد انتقال دهد.

سؤالات

- ۱- دلیل گرایش شوقی و رحماندوست به ادبیات کودک چیست؟
- ۲- دیدگاه شوقی به ادبیات کودک دیدگاهی غربی است؟
- ۳- رحماندوست چه دیدگاهی به ادبیات کودک دارد؟

پیشینه تحقیق

در مورد مصطفی رحماندوست و احمد شوقی تحقیقات مختلفی انجام شده است که از زاویه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته‌اند. احمد زلط در کتاب «أدب الطفل بین احمدشوقی و عثمان جلال» و احمد علی کنعان در کتاب «الطفولة فی الشعرالعربی والعالمی»، ادبیات کودک را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و به کودک با دیدی جدید نظاره گرهستند. «بررسی تأثیر تربیتی قصه‌های قرآنی در تربیت دینی کودکان» از حسن خلجی، به تأثیرات قرآن و بیان قصه‌های قرآنی با زبان کودکان و تأثیر تربیتی اشاره دارد. پایان‌نامه «عناصر و مؤلفه‌های مؤثر در فضا سازی عاطفی

شعر کودک در آثار مصطفی رحماندوست و افسانه شعبان نژاد»، (۱۳۹۲)، توسط نرگس امین‌پور و به راهنمایی دکتر غلامرضا کافی نوشته شده است و هدف نگارنده تحلیل عوامل مؤثر در عاطفه‌مندی آثار شعری رحماندوست و شعبان نژاد براساس تأثیرگذاری فضاسازی عاطفی اشعار اجتماعی، طبیعت‌گرایانه و معنوی است. براساس تحقیقات ما در موضوع مؤلفه‌های تعلیمی اشعار کودکان شوقی و رحماندوست پژوهشی انجام نشده است و پژوهش حاضر تأثیر اشعار هر دو را در تعلیم کودکان مورد بررسی قرار داده است.

دیدگاه روانشناختی شوقی و رحماندوست به کودک

جدول زیر رویکرد عرب را به شعر کودک نشان می‌دهد، این عوامل سه گانه، نیاز به پژوهش بیشتری دارد و شکی در گسترش پژوهش در هر یک از آنها نیست تا به وسیله آن به یک نتیجه منطقی و مفیدی دست یافت.

عوامل رئیسیه التي تؤثر في تصنيف كتب الأطفال (نجیب، ۱۹۷۹: ۲۴)

(التصنيف ذوالأبعاد الثلاثة)		
الشكل الفني	المضمون الغالب	مراحل النمو
كتب مصورة	ديني	الطفولة المبكرة
	اجتماعي	
شعر	علمي	
كتب معلومات	اساطير	الطفولة المتوسطة
	خرافية	
	بوليسية	
مسرحيات الخ...	الخ... ..	الطفولة المتأخرة
عوامل اصلی تأثیرگذار در رتبه بندی کتاب‌های کودکان «رده بندی سه بعدی»		

شعر کودک ایران قابل قیاس با جدول بالا نیست و توجه به پیشرفت‌های امروزی و تحولات در روش زندگی، نگرش به کودک طبق به روزترین دیدگاه‌های روانشناسی است. رحماندوست به شعر کودک طبق علم روانشناسی می‌نگرد و تقسیمات شعری در اشعار وی

براساس گروه سنی (الف، ب، ج، د) است. ایشان در پاسخ به این سؤال که آیا شعری مختص کودکان خود سروده اند، اذعان داشتند «من ۱۶ میلیون کودک دارم.» (مصاحبه حضور، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷)

جدول مراحل رشد شناختی از نظر ژان پیاژه

ویژگی ها	مرحله
<p>۱. خود را از اشیاء تمیز می دهد.</p> <p>۲. خود را به عنوان عامل (فاعل) اعمال خویش بازمی شناسد و شروع به فعالیت هدفمند می کند.</p> <p>۳. به مفهوم پایداری شیء دست می یابد، درک می کند که اشیاء حتی وقتی حواس را تحریک نمی کنند، باز هم وجود دارند.</p>	<p>حسی حرکتی (تولد تا ۲ سالگی)</p>
<p>۱. استفاده از زبان و بازنمایی اشیاء به صورت تصویر ذهنی و واژه را یاد می گیرد.</p> <p>۲. تفکرش هنوز خود محور است، نگرستن از دید دیگران برایش مشکل است.</p> <p>۳. اشیاء را بر حسب یک ویژگی طبقه بندی می کند.</p>	<p>پیش عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی)</p>
<p>۱. می تواند در مورد اشیاء و رویدادها به طور منطقی فکر کند.</p> <p>۲. به نگهداری عدد (۶ سالگی)، جرم (۷ سالگی)، وزن (۹ سالگی) دست می یابد.</p> <p>۳. اشیاء را بر حسب چند ویژگی طبقه بندی می کند و می تواند بر حسب بعد معینی، ردیف کند.</p>	<p>عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سالگی)</p>
<p>۱. می تواند به طور منطقی درباره گزاره های مجرد فکر کند و به طور نظام دار به آزمون فرضیه ها پردازد.</p> <p>۲. به مسائل فرضی، آینده و جهان بینی می پردازد (کلت، ۱۹۹۰: ۲۰۰).</p>	<p>عملیات صوری (۱۱ سالگی به بعد)</p>

ادبیات کودک و شوقی

شعر عربی بسیار از آرایه های ادبی بهره برده و در این میان استفاده از نماد علی الخصوص نماد کودک و کودکی بیشتر به چشم می خورد. شوقی به واسطه سروده ها و قصه های شعری به زبان حیوانات و پرندگان برای کودکان که ترجمه از حکایت های لافونتن است، (العواسی، ۲۰۰۶:

(۲۴) متوجه شد که ادبیات کودک، برای آشنا کردن کودکان با ابعاد مختلف زندگی می‌باشد. (بریغش، ۱۹۹۶: ۸۱) او از فکر و اندیشه خود در جمع‌آوری حکایات درباره حیوانات با مهارت و استفاده از رمز و تصویرسازی بهره برده است. «شوقی در شعر خود توجه و اهتمام زیادی به مسائل ملی، میهنی، اصلاح‌گری و تمجید اسلام دارد و دست به تجدد و نوگرایی زده است. هدفش، تربیت و سرگرمی کودکان مصر شد». (مجدی، ۲۰۰۶: ۱۲۹-۱۳۰) از طریق اشعار به نشر اصول اخلاقی و اجتماعی پرداخته است. از منظر وی «تربیت، رکنی اساسی است که استقلال و ترقی جامعه را در بردارد و مانند ماده‌ای حیاتی است که حیات ملت بدون آن از هم گسسته می‌شود». (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۹۹۴-۹۹۵)

أحب صغار العالمين لأجلهم
و يعطف قلبی ذو أب و یتیم
(شوقی، ۱۹۸۸، ۱: ۱۴۷)

- ترجمه: «کودکان جهان را به خاطر فرزندانم دوست می‌دارم چه پدر داشته باشند چه یتیم باشند؛ عطف و مهربانی را در قلب من بر می‌انگیزانند.»
«سروده‌های شوقی در مورد کودکان در درجه عالی شعر قرار دارد و از جنبه لغوی، کلمات با اصالت، محکم و فصیح در آن مشاهده می‌شود». (زلط (ب)، ۱۹۹۴: ۱۲۲) از آنجا که این اشعار در مورد کودکان است نه برای کودکان، شوقی در مواردی از اصل ساده نویسی منحرف شده و از کلمات سخت و غیر آشنا برای کودکان استفاده کرده است.

ادبیات کودک و رحماندوست

«کودک امروز در آستانه هزاره سوم میلادی ایستاده است. از دیدگاهی شباهت به انسان‌های نخستین دارد، به این معنا که درنگرش به هستی، واسطه او در شناخت بیشتر تخیل است تا تعلیل». (کیانوش، ۱۳۸۲: ۳)

نیازهای کودک فقط خوراک، پوشاک، محبت و استعدادهای او تنها خواندن، نوشتن و انباشتن حافظه نیست. «انسان از غرایز فردی، اجتماعی، عالی، فکر، عقل، اراده و وجدان برخوردار است». (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۳۶) «کودکان مینیاتور یا کوچک شده بزرگسالان نیستند، بلکه افرادی یگانه

و بی‌ماندند که نیازها و استعدادهای خاص خود را دارند. در کتاب‌های بنیادهای ادبیات کودک برای ادبیات سه نقش مهم معرفتی، عقیدتی، زیباشناختی در نظر گرفته شده است.» (امین‌پور، ۱۳۹۲: ۲)

مصطفی رحماندوست، شاعر معاصر ایرانی در چند دههٔ اخیر سعی در برقراری ارتباط با کودک کرده است و زبانی عامیانه دارد تا کودک احساس نزدیکی کند. از طریق حس‌آمیزی و عناصر و واژگان مربوط به حس بینایی و شنوایی، افعال و اصطلاحات عامیانه و بومی، نام‌گذاری‌های جدید و ترکیباتی بدیع و مناسب سن کودک شعر می‌سراید. «درک کودکان از محیط عینی و تصویری است، به طوری که آن‌ها می‌توانند درک درستی از مفاهیم انتزاعی داشته باشند. تصویر، عنصر ثابت شعر کودک است و کودک از طریق تصویر، مفاهیم را عینیت می‌بخشد. کودک در نزدش مانند عرب زبانان به عنوان موجودی بی‌درک و تهی از علم نیست بلکه وی نسبت به کودک به عنوان غنچه گلی می‌نگرد که هر چه بیشتر رسیدگی شود زیباتر خواهد شد.» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۸۸-۸۷)

مضامین اشعار احمد شوقی و مصطفی رحماندوست

داستان «سلیمان والحمامة» شوقی که از خیانت در امانت سخن گفته است.

رب فی مجالسه حمامه	کان ابن داود یقرر
یوما تبلیغهم سلامه	فمضت إلی عماله
کتبت لها فیه الکرامه	والکتب تحت جناحها
من راسائله مرامه	فأرادت الحمقاء تعرف

(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۶۸/۲)

- ترجمه: «حضرت سلیمان به کبوتر مقرب خود نامه‌ای داد که به کارگزار خویش ببرد و کبوتر نامه‌هایی را که در آن‌ها به وی لطف شده بود در زیر بال‌هایش گذاشت و به سوی کارگزاران به راه افتاد. در ادامه حکایت، کبوتر زمانی که قرار بود نامه‌ها را به کارگزاران ببرد آنها را می‌خواند و در نامه سوم که قرار است حکومت پرنندگان به وی داده شود»

و در ادامه حکایت که به خاطر خیانتی که در مأموریت خود کرده است، سلیمان او را از کرامت محروم می‌سازد. نشانه‌ای تربیتی برای کودکان و بازگو کردن عمل ناپسند خیانت است و آوردن ضرب‌المثل چون «من خان، خاتنه الکراره» این عمل زشت را به شدت نهی می‌کند. داستان خروس با عنوان «الدیک الهندی والدجاج المحلی» معضل استعمارگری انگلیس را برای کودکان به نمایش می‌گذارد. (منتظمی، ۱۳۸۵: ۲۳۵)

تخطر فی بیت لها طریف	بنا ضعف من دجاج الریف
فقام فی الباب قیام الضیف	إذا جاءها هندی کبیر العرف
ولا أراها أبدا مکروها	یقول: حیا الله ذی الوجوها
یوما و أفضی بینکم بالعدل	أیتکم أنشر فیکم فضلی
و فتحت للعلاج باب العش	فعاود الدجاج داء الطیش

(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۲۸۹/۲)

- ترجمه: «مرغان ضعیف در حالی که در خانه‌های نو خود می‌خرامیدند، ناگهان خروس هندی به عنوان مهمان مقابل در خانه آنان ایستاد و شروع به تعریف از مرغ‌ها کرد و گفت: درود خدا بر این چهره‌ها باد و خداوند هیچ ناملایماتی به آنان نشان ندهد. من به پیش شما آمده‌ام که خوبی خودم را بگسترانم و فضیلتم را در میان شما فزونی دهم و به عدل در میان شما قضاوت کنم. پس مرغ‌ها برای علاج و درمان بیماری در خانه را گشودند.» انگلیسی‌ها به بهانه عمران و آبادی وارد کشورشان شدند و آن را تصرف کردند. این گونه داستانهای شوقی، حس ملی‌گرایی را در وجود کودکان و نوجوانان بسط می‌دهد، حسّی که بسامد آن با توجه به بحران‌های اجتماعی و تنوع دیدگاه‌های شاعران کودک و نوجوان در نوسان است (ر.ک. سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۶۹-۴۷۰)، از جمله موضوعات اصلی در شعر شوقی محسوب می‌گردد. وجه تشابه با ایران در دوره دفاع مقدس و یادآوری دفاع از ایران برای کودکان است تا جهاد و مجاهدت مردمان کشور برای حفظ کشور را بازگو کند. شوقی در این قطعه قصد آموزش استقامت دارد، اما رحماندوست هدفش یادآوری استقامت مردمان کشور در برابر دشمن است.

دفاع مقدس در شعر رحماندوست

انار(صددانه یاقوت) خاطرات دوران جنگ است.

صد دانه یاقوت	دسته به دسته
با نظم و ترتیب	یک جا نشسته
هر دانه‌ای هست	خوش‌رنگ و رخشان
قلب سفیدی	در سینه آن

(رحماندوست، ۱۳۶۸: ۱)

شاعر حال و هوای آن دوران را به کودکان بازگو نموده است. در گفته‌های رحماندوست در مورد شعر، «این شعر از زمانی که هنوز سپاهی تشکیل نشده بود و گروه‌هایی به شکل چریک در جبهه‌ها مشغول دفاع از سرزمینمان بودند، نشأت گرفته است.» (مصاحبه حضور، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷)

پدر و مادر در اشعار شوقی و رحماندوست

فرزند به تعبیر هر دو چون پرنده نو پاست که نیاز به آموزش دارد. البته با این تفاوت که قطعه شوقی بخاطر نوع کلمات و نحوه سخن گفتن آن را تبدیل به شعری برای پدران و مادران نموده است، اما قطعه مربوط به رحماندوست برای کودک است.

قطعه «ولدالغراب» شوقی مضمونی تربیتی دارد که از تاروپود خیال خود بافته است. قطعه

را نه برای کودکان بلکه به عنوان نصیحت و توصیه تربیتی برای مادران سروده است.

أطلقتَه و لو أمتحننت	جناحه لم تطلقى
و كما ترفق والداك	عليك لم تترفقى
كرويهب متلقس	متأزر، متنطقى

(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۹۳/۴)

- ترجمه: «جوجهات را وادار به پرواز کردی و بال او را اگر می‌آزمودی، رهایش نمی‌کردی و بدان شکل که والدینت با تو در زمان آموختن پرواز مدارا کردند، تو با جوجهات مدارا

نکردی. او چون راهبه‌ای کوچک است که کلاه بر سر گذاشته و لباس پوشیده و کمربند بسته است.» از میراث عربی - اسلامی بهره می‌جوید که باید کودک از تربیت خوب بهره گیرد.
(سه قدم دورتر از مادر) رحماندوست به شکل منظوم داستانی گروه سنی (الف و ب).

مرغی قشنگ، جوجه‌ای داشت	جوجه را خیلی دوست می‌داشت
دنبال مرغ مهربان	جوجه می‌رفت دوان دوان
جیک جیک جیک	هر جا می‌رفت، آنجا می‌رفت

(رحماندوست، ۱۳۸۴: ۱)

«همه شعرها آموزش محور هستند، یعنی در هر شعری آموزشی وجود دارد. حتی در شعرهای بی‌معنی که صرفاً جهت بازی و سرگرمی است و هنر هنرمند جایی تأثیرگذار است که غیرمستقیم مفاهیم آموزش و تربیتی را به کودکان منتقل کند.» (آزاد، ۱۳۹۰: ۸-۴)

مضامین سیاسی

حکایت «نوح والنملة فی السفینه» نوح به دنبال فرمانده برای کشتی می‌گردد مورچه داوطلب شده و خود را برای فرماندهی کشتی معرفی می‌کند:

قلت: نبی الله، أرضی فارس	و أنا یقینا فارس المیدان
سأدیر دفتها وأحمی أهلها	و أقودها فی عصمه وأمان

(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۶۱/۲)

- ترجمه: «گفت: ای پیامبر خدا، زمین چون سواری است (کشتی به سان سوار کاری است که بر دریا سوار شده است) و به یقین میدان‌دار آن من هستم. سکان آن را می‌چرخانم و از مسافران حمایت می‌کنم و با سلامتی و امنیت به جلو می‌رانم.»
در این حکایت با آوردن نام مورچه اشاره‌ای به ستیز و استعمارگری انگلیس بر کشورش دارد، در اصطلاح مورچه نمادی از انگلیس است که به گمان خویش، خویشتن را بزرگ می‌پندارد و متصور گشته است که توان حکمرانی به تمام سرزمین‌ها را دارد.

رحماندوست، رویکردی بر مضامین استعماری و سیاسی ندارد. همان طور که اذعان داشتند شعر کودک کنونی عرب مربوط به ۵۰ سال قبل ایران است و مضامینی قدیمی دارد و در ایران مضامین به روز و مطابق با نیاز اوست. رحلت رهبر کبیر انقلاب اسلامی را به کودک این چنین بازگو می‌کند.

خانه‌ها بی نور است / کوچه‌ها غمگین است / چشم‌ها چون چشمه / همه گریان هستند / روح از جان‌ها رفت / بچه‌ها می‌گویند: «پدر از دنیا رفت» (رحماندوست، ۱۳۷۲: ۹)

معضلات اجتماعی

آسیب‌ها و مشکلات از موضوعاتی است که شوقی آنها را به انسان‌ها یادآوری می‌کند. معضل پر حرفی در «الشاء والغراب»

إن الحکیم نبی ————— لسانه معصوم

(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۴۱/۲)

- ترجمه: «به راستی پیامبر حکیمی است که زبانش پاک و معصوم است.»

آموزش رفتار با دیگران و مسئولیت پذیری از مضامین دو شاعر است و شوقی کم سخن‌گویی را رواج می‌دهد. رحماندوست کودک را تشویق به خوش رویی با دیگران می‌کند. شوقی کودک را مستقیماً از پرگویی نهی می‌کند. رحماندوست با بازی گرفتن ذهن کودک از طریق تصویر سازی کودکانه، وی را از این کار نهی می‌کند.

بچه‌هایی که رفیقم بودند ————— همه از دور و برم پر زده‌اند

با سکوتی خودشان را تک تک ————— همه بر کوچه دیگر زده‌اند

باید اخلاق خودم را پس از این ————— همه جا با همه بهتر کنم

(رحماندوست، ۱۳۸۰: ۱۶)

آموزش نحوه رفتار با دیگران و مهربانی نسبت به دیگران، از مهم‌ترین آموزه‌هایی است که هر پدر و مادری باید به کودک آموزش دهد. این قطعه مخصوص کودکان است و نباید فراموش کرد که اولین کنش‌ها را کودک از پدر و مادر فرا می‌گیرد.

مضمون وطن

ویژگی خاص اشعار شوقی وطن و بیداری ملی است. «الوطن» تصویر دو گنجشک است که باد آنها را به ترک لانه‌شان وادار می‌کند و زندگی در مکانی دیگر را وعده می‌دهد.

یا ریح أنت ابن السبی لما عرفت ما للسکن
هـب جنه الخلد الیمن لا شیء یعدل الوطن
(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۹۰/۴)

- ترجمه: «ای باد همیشه در حرکتی و معنای سکونت و آرامش را نمی‌دانی. اگر برفرض

یمن بهشت جاودان باشد، باز هم هیچ چیز جای وطن را نمی‌گیرد.»

در شعر «النیل و نشید مصر و نشید الکشافه» شوقی، کودکان با مصر و تاریخ و فرهنگش آشنا

می‌شوند.

بنی مصر مکانمو تهیا فهیا مهدوا للملک هیا
خذوا شمس النهار له حلیا ألم تک تاج أولکم ملیا؟
لنا وطن بأنفسنا نقیه وبال دنیا العریضة نفتدیه
(همان، ۱۹۷/۴)

- ترجمه: «ای فرزندان مصر! سرزمین شما آماده شد. برای رهبری و اداره آن بشتابید.

خورشید درخشان را زیور و زینت آن کنید آیا خورشید از ابتدا تاج پادشاهیتان، نبوده

است؟ ما وطنی داریم و آن را با جانهایمان حفظ می‌کنیم و این جهان فانی را فدای آن

می‌کنیم.»

سرود نیل برای کودکان نشان از قدمت دیرین و برای مردمان مصر در درجه اول اهمیت

قرار دارد و کودکان از آن به عنوان هدف در زندگی و کمک رساندن به دیگران، بدون انتظار از

دیگران، بهره می‌برند.» (زلط، ب)، ۱۹۹۴: ۱۲۷)

رحماندوست با توجه به گنجینه لغاتی که کودک دارد سعی داشته مفهوم وطن را با کلماتی

غیرقابل فهم به کار نبرد و مضامین را در قالب شهر و خانه بیان می‌کند.

هر جا که این دور و بر است / شهریه که هر چی باشه / مال من و مال شماست / شهرو تمیز نگه داریم / که شهر ما خانه ماست. (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۸-۹)

مثل غنچه بود آن روز / غنچه‌ای که روئیده / در هوای بهمن ماه / مثل آب بود آن روز، آب چشمه‌ای شیرین / سرزمین ما ایران / لاله زار بود آن روز / روز خنده ما بود روز گریه دشمن / روز خوب پیروزی / بیست و دوم بهمن (همان، ۱۳۹۰: ۱۱۳)

او کودک را به وطن دوستی و پاسداری از میهنی که در آن رشد و نمو می‌یابد، تشویق می‌کند.

کودک و پدر و مادر

سرود «الأم» شوقی را بخاطر موسیقی حماسی، تیزی کلمات عالی، آهنگ و طنین تکراری و استفاده بسیار از کلمات سنگین، نمی‌توان در میان سروده‌های کودک قرار داد با این حال سنگینی کلمات انسان را یاد لالایی‌های مادرانه با طینتی خوش می‌اندازد که کودک در آن درس زندگی می‌آموزد.

و هیو للصوت صدی	و البیت أنت الصوت فیه
قیل له فقلدا	کالبغنا فی قفص
إن شئت کان الأسد	إن شئت کان العیر أو

(شوقی، ۱۹۸۸: ۴/۱۹۲)

- ترجمه: «تو تنها صدای خانه‌ای و کودکت هم چون پژواک صدای توست و مانند طوطی در قفسی است که به او گفته می‌شود تکرار می‌کند. اگر تو اراده کنی او چون الاغی می‌شود، و باز اگر تو بخواهی او چون شیری می‌شود.»

رحماندوست مادر را نشان محبت در خانواده و احساسات خداوندی می‌داند و پدر را چون برکت الهی می‌انگارد.

مادر من آسمان است	غنچه لبخند مادر
خنده رنگین کمان است	مادر من یک درخت است

شاخه دستش چه دارد؟ میوه شیرین بسیار
(رحماندوست، ۱۳۸۴: ۱۲)

یادآور تمام مهربانی‌های مادری می‌شود که شاید بتوان او را ذره‌ای از خدا دانست و در رسیدن کودکش به تجارب جدید کمکش می‌کند.

دو سه ماهی است که بابا رفته خنده و شادی از اینجا رفته
شوق پرواز ندارند آنها حال آواز ندارند آنها
دل من تنگ شده، خیلی تنگ مادرم هم شده خیلی دلتنگ
(همان، ۱۳۸۰: ۵)

پدر از زندگی سروده می‌شود و گشایشگر غم‌هاست و چون کوه صبر و مقاومتی است که کودک استقامت را از او می‌آموزد.

آموزه‌های دینی

مادرم شاد شد از رفتارم خنده بر روی پدر آوردم
با پدر مادر خود در هر حال تا توانستم، خوبی کردم
پدرم گفت: تو خوبی پسرم مادرم گفت: از او بهتر نیست
آسمان خنده به رویم زد و گفت پسر، از تو خدا هم راضی است
(همان، ۱۳۷۲: ۷)

بیان آموزه‌های دینی و اسلامی در شعر، کودک را به احترام گذاشتن به پدر و مادر تشویق می‌کند و بهره از آیه «بالوالدین احسانا» دارد. شوقی در «الجدء» مهربانی مادر بزرگش را نشان می‌دهد که در برابر رفتارهای پدرش از او حمایت می‌کند.

فجعلتني خلفها و أجبوها و أختبني وهى تقول لأبى بلهجة المؤمنة: ويح له! ويح له! ذا الولد المعذب!
(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۸۹/۴)

- ترجمه: «مرا در پشت سرش پنهان کرد، من به او پناه می‌برم و پنهان می‌شوم. با لحنی سرزنش‌آمیز به پدرم می‌گوید: وای بر او! وای بر تو، این فرزند آزار دهنده.» نشان از حمایت و صمیمیت در خانواده است.»

شوقی و رحماندوست بر مضمونی واحد اشاره دارند. محبت و دور هم بودن. مادر بزرگی که کودک می‌تواند او را چون حامی خود ببیند یا چون نگینی در انگشتری.

بر روی کرسی سیب و گلابی	ما جمع بودیم بر گرد بی بی
مسعود و محمود، داوود و مولود	ما حلقه بودیم بی بی نگین بود
	(رحماندوست، ۱۳۸۹: ۳)

اعضای خانواده، مادر بزرگ را چون نگینی در انگشتری می‌داند.

مضمون مدرسه

«المدرسة» شوقی به شعر کودک نزدیک‌تر و کلمات و ساخت ترکیبات و جمله‌ها در آن ساده‌تر و خوش‌آهنگ‌تر است.

أنا المدرسة أجعلني	كأما لا تمل عنى
ولا تفزع كماأخوذ	من البيت إلى السجن
كأنى وجهه صياد	وأنت الطير فى الغصن
	(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۹۶/۴)

- ترجمه: «من مدرسه‌ام و مرا هم چون مادری بدان و از من دلزده مشو و هم چون اسیری که از خانه به زندان برده می‌شود از من نترس و با این گمان که من صیاد و تو پرنده‌ای در شاخه هستی، از من نترس.»

از عوامل تأثیرگذار بعد از والدین در تربیت کودک مدرسه است و اولین مکانی است که کودک در آن احساس استقلال می‌کند.

اتل متل دنگ دنگ	زنگ بزنگ و زنگ بزنگ
دوباره پاییز شده	مدرسه می‌روم من

(<http://saynajooun.persianblogir/post/177>)

رحماندوست سعی بر تشویق کودک و آشنایی با مدرسه را دارد.

مضامین حکایتی

«حکایات» دیوان شوقی، علاوه بر کودک، خطاب به مردم است.

یحکون أن رجلا کرديا	کان عظیم الجسم همشريا
و کان یلقى الرعب فی القلوب	بکثرة السلاح فی الجيوب
و یفزع اليهود و النصراری	و یرعب الکبار، و الصغارا
و کما مر هناک و هنا	یصیح بالناس: أنا؟ أنا؟ أنا

(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۲۰/۲)

- ترجمه: «آورده‌اند مردی کرد دارای جثه بزرگی بود و در دل‌ها با زیادی سلاح در آستین‌ها

ترس می‌افکند. یهودیان و مسیحیان و کوچک و بزرگ را می‌ترساند و هر جا می‌رفت بر

مردم فریاد می‌زد من، من، من».

مرد کرد به علت حوادثی که بعدها اتفاق می‌افتد از غرورش دست برمی‌دارد و با وجود

ترس، مردم توانستند در برابرش بایستند. از جمله ویژگی‌های شوقی می‌توان به قدرت او در ایجاد

آهنگ کلمات و موسیقی پی برد. «شوقی سلطان موسیقی است و در طول همه حکایات به این ویژگی

فنی توجه داشته است. با وجود هماهنگی آهنگ در کلام به دلیل داشتن فصاحت و بلاغت کلامی،

ابیات بسیاری از حکایات وی متناسب با کودکان نبوده و در حقیقت مخاطبان او نوجوانان و جوانانی

هستند که به فهم قابل قبولی از دانش لغوی رسیده‌اند.» (بریغش، ۱۹۹۶: ۸۲)، «کلمات شوقی ساده و

روان است و تعلیمی بودن آنها محسوس است.» (الحر، ۱۹۹۲: ۱۷۸) از معایب غفلت شوقی، اشغال

فلسطین است. آثارش محدود و برای رفع نیاز کودک عرب کافی نمی‌باشد. البته با توجه به مضامین

شعری می‌توان دریافت که او در کارش بیشتر رویه تقلید را در پیش گرفته و روش جدید در شعر

ندارد. رحماندوست اشعار خود را فقط مختص به یک موضوع نسروده است. اشعاری در رده‌های

سنّی گوناگون و با وجود نبود اشعاری مختص بزرگسالان اما در برخی موارد می‌توان اصل

موضوعات را تلنگر به بزرگسالان دانست. زاویه دید او در مجموعه اشعار بازی با انگشت‌ها،

دوستی شیرین است، سگی بود جنگلی بود، جوجه من کو؟ زاویه دید تمام اشعار بسته به مقتضی نوع اشعار متنوع و زبانی عامیانه و تقریباً مدرن دارد که فضای شعر را رنگین کرده است.

مجموعه اشعار رحماندوست

رحماندوست و تنی چند از نویسندگان مجموعه شعری دارند (از آسمون تا اینجا)، که اشعار جمعی از شاعران کودک در این کتاب گرد آمده است. کودکان، خدا را جزیی از خود می‌انگارند که می‌توانند با نامه یا نقاشی با او سخن گفته و آرزوهای خود را از او بخواهند، در این مجموعه دو قطعه متعلق به ایشان می‌باشد،

(باغ قشنگ) و (چه رنگی)

خدای من! چه باغی / چقدر درخت میوه! چه بلبل، کلاغی! / چه گل‌های قشنگی، / کی سبزه و درخت و میوه‌ها رو آفریده / خدا، خدای خوب ما / دوست تمام بچه‌ها. (نیک طلب، ۱۳۸۵: ۱۰)

با زبانی سلیس و با ساده‌ترین چیزهایی که کودک از همان ابتدا در ارتباط است، خدا را می‌شناساند. شعر متناسب با شرایط و احوال مخاطب است تا این که کودک بتواند مفاهیم را فرا گیرد.

اهمیت تعلیم و تربیت کودک از نگاه شوقی و رحماندوست

لافونتن و احمد شوقی متأثر از کلیله و دمنه این مقفّع هستند که مضامینی اخلاقی دارد. تربیت کودک در بسیاری از احادیث و روایات به عهده والدین است. همچون سفارش امام علی علیه السلام که «از وظایف والدین انتخاب نام نیکو برای کودک است. زیرا که نام نیکو و تربیت نیکو از اولین حقوق کودک است» و خداوند در قران کریم در سوره «بلد» به کودک قسم خورده است و به عنوان پسران در چهار سوره مبارک (اسراء، مومنون، نوح و مدثر) یاد کرده است. (ر.ک. محفوظ، بی‌تا: ۹-۱۹) در آثار رحماندوست، به وضوح شاهد اهمیت تعلیم و تربیت کودک هستیم، تا تمامی اهداف کودکان را محقق سازد و امکان شناخت خدا، شناخت خلق، شناخت خلقت و شناخت

خویش را در آثارش به کودک نمایان سازد. وی معتقد است برای تأثیرگذاری هر چه بیشتر مفاهیم تربیتی در ذهن کودک باید از تصاویر، در بیان داستان و شعر استفاده نمود. «سودی که از کتاب‌های تصویری عاید بچه‌ها می‌شود، رشد ذهنی، پرورش قدرت تخیل، پرورش خلاقیت و بروز و پرورش استعدادها بالقوه کودک است.» (رحماندوست، ۱۳۶۹: ۲۶-۱۶)

قصیده «البغل و الجواد» شوقی

و قلبه ممتلیء مسره	بغل أتى الجواد ذات مره
وآن آن تعرف لی محلی	فقال: فضلی قد بدأ یاخلی
تعجب من رقصی تحت صاحبی	إذ كنت أمس ماشیا بجانبی
لمن من الملوک ذاالجواد؟	أختال، حتی قالت العباد

(شوقی، ۱۹۸۸: ۱۸۲/۴)

- ترجمه: «فاطری نزد اسب آمد در حالی که قلبش لبریز از سرور بود. گفت ای دوستم فضل و برتریم برای من آشکار شد، وقت آن است که جایگاهم را مشخص کنی. آنگاه که دیروز در کنار من راه می‌رفتی و از رقص من در کنار صاحبم حیرت می‌کردی. با تبختر راه می‌رفتم تا اینکه بندگان گفتند، این اسب نجیب از آن کدام یک از پادشاهان است.»

مناظره میان قاطر و اسب است. قاطر شروع به خودستایی می‌کند، اما در آخر اسب، دروغ را نمایان می‌سازد و جستن ناشی از درد را رقص خود می‌داند که صاحبش را به حیرت می‌آورد. او را اسب پادشاهی می‌نامد، که ناگهان اسب می‌خندد و وی را مورد تمسخر قرار می‌دهد.

وای صدایی شنیدم	آی صدایی شنیدم
مرجبا خرس باهوش	صدای تق تق آمد
روباه و خرگوش نبود	آن که به شیشه می‌زد
فهمیدیم از کجا بود	تق تقی که شنیدیم
بر روی شیشه‌ها بود	صدای پای باران

حواسمان کجا بود؟

(رحماندوست، ۱۳۷۹: ۱۰)

«کی بود؟ کی بود؟ من نبودم» نمایشنامه منظوم از زبان حیوانات و صداها و آشنایی با حیوانات و غذاهای آنان است.. قطعه شوقی فقط اشاره به موضوع پرهیز از دروغ گویی دارد. رحماندوست در اشعارش فقط بر یک جنبه تأکید ندارد بلکه سعی بر بیان مسائل از زوایای گوناگون دارد. شوقی به دلایلی چون محدودیت در جامعه آن روزگاران مصر سعی بر تأکید آن چه از اصولی ترین و مهم ترین مسائل روز و عرف در جامعه است، سخن می گوید و کمتر شاعری همچون رحماندوست توانایی بازگویی چندین موضع را در سروده ای کوتاه کودکانه دارد.

شوقی و رحماندوست و تأثیر آیات قرآنی در تعلیم کودک

«در شعر هر دو شاعر، فرهنگ قرآنی و دینی تأثیر شگرفی دارد. شوقی معانی آیات قرآنی و قصه‌های دینی را در شعر به کار برده که جنبه فرهنگی و شیوه قدماست، بهره برده است.» (عبدالکریم، بی تا: ۹-۸)

قصیده «الطیارون الفرسیون»

قم (سلیمان) بساط الريح قاما	ملك القوم من الجو الزماما
حين ضاق البر والبحر	بهم أسرجوا الريح، وساموها اللجاما
سار ماكان لهم معجزة	آية للعلم آتاهم الأناما

(شوقی، ۱۹۸۸: ۸۸/۲)

- ترجمه: «ای سلیمان برخیز قالیچه بر فراز شد این قوم زمام روزگار را در دست گرفتند، آنگاه که خشکی و دریا گنجایش آنها را نداشت بر باد زین نهادند و این قوم که معجزه نداشتند به راه افتاد و دانش و علم را به عنوان معجزه برای مردمان به ارمغان آورد.»
تسخیر باد و حیوانات توسط سلیمان را بازگو می کند و قدرت انسان را در ماورای طبیعت به نمایش می گذارد که خداوند همه عناصر را به اذن خودش در اختیار انسان گذاشته است. خداوند در مورد تسخیر باد و در خدمت قرار دادن آن می فرماید: «وَلَسُّلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوهُهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ» (سبا/ ۱۲)

رحماندوست ترجمهٔ زبان به زبان قرآن را در تربیت کودکان مؤثر دانسته است «قرآن را لفظ به لفظ ترجمه نکردم بلکه برگردان من، زبان به زبان است و کوشیده‌ام تا ساده‌ترین و قابل فهم‌ترین کلمات را استفاده کنم». (رحماندوست، ۱۳۶۹: ۳۵)

(قصهٔ آیه‌ها) داستان حضرت علی و بخشندگی حضرت علی را با زبانی ساده بیان می‌کند.

فرشته‌ها باز پرپر، پریدند	تا که به کانون خبر رسیدند
فرشته‌ها بال سفر را بستند	رو بام خانهٔ علی نشستند
علی فرشته‌ها رو دید و خندید	سلامی کرد و حالشان را پرسید

شما کجا؟ اینجا کجا؟

(آموزگار، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۲)

فرشتگان جمع شدند و خبر دادند که حضرت علی و حضرت فاطمه باید نذر خود را ادا کنند و نذر آنان با گرفتن روزه آغاز می‌شود و اتفاقاتی می‌افتد. «قصهٔ آیه‌ها» متناسب با گروه سن است که توجه به اهل بیت (ع) را در شعر متذکر می‌شود تا کودکان را با آموزه‌های دینی آشنا کند.

نتیجه‌گیری

کودکان از جمله یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه محسوب می‌گردند و توجه به آموزش و تعلیم آنان باید در رأس قرار گیرد. کودکان چون دفترهای نانوشته‌ای هستند که با تمام روح و جان خویش تمام کنش‌های اطراف خویش را در ذهن خود ثبت و ضبط می‌کنند و در صدد به کارگیری آنان هستند. از این سو دو شاعر نام برده سعی بر آن داشتند تا بتوانند، تعلیمات را به صورتی کودکانه و زیبا بیان کنند تا بتوانند سهمی در تربیت کودکان سرزمین خویش داشته باشند. اشعار کودکانه در نزد دو شاعر نشانه از تعهدی است که با حواس خود در آمیخته‌اند و به آموزش کودک پرداخته‌اند و دغدغه‌ای جز کودک ندارند. شوقی در اشعارش طبق گفته‌های پیشین از تقلیدی تبعیت می‌نموده است که مربوط به سبک و سیاقی است که در جهان عرب موج می‌زند و سعی داشته در کنار خلاقیت خود تبعیت از آن سبک ادبی فرانسه را در پیشه کاری خود قرار دهد و اما رحماندوست در اشعارش تقلیدی نداشته و با توجه به نیازمندی‌های لازم سروده ای را می‌نگارد. رحماندوست تلاشی بیش از همتایش شوقی داشته است و توانسته تمام مراحل زندگی را به کودک فرا دهد و شوقی نیز با وجود مشکلات توانسته مسائل را به خوبی تحلیل و یک زندگی آزادانه را ترسیم کند. هر چند در هر لحظه نیاز به ایجاد روش‌های نوینی برای تعلیم و تربیت کودکان است، در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از ادبیات تطبیقی نگرشی بدیع به آثار و سروده شده برای کودکان دو سرزمین ایران و مصر را مورد بررسی قرار دهیم. اما نباید تلاش‌های بزرگانی چون شوقی و رحماندوست را فراموش نمود و از این رهنمون‌ها غافل شویم.

فهرست منابع و مآخذ

الف - کتابنامه

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آموزگار، علی، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۷۸)، «قصه آیه‌ها»، تهران: زیتون.
- ۳- اوشاق ادبیاتی و صمد بهرنگی، تقی نژاد، (یای ۸۲)، *آذربایجانلی بیلی یوردلولار توپلومو آراشدیرما مرکزی*، امیرکبیر بیلی یوردونون آذربایجانلی اؤیرنجی لری نین، تورکجه، فارسجا درگیسی، مجمع بررسی کنندگان آذربایجان.
- ۴- امین پور، نرگس؛ کافی، غلامرضا، (۱۳۹۲)، «عناصر و مؤلفه‌های مؤثر در فضا سازی عاطفی شعر کودک در آثار مصطفی رحماندوست و افسانه شعبان نژاد»، شهرپور، دانشگاه شیراز.
- ۵- بریغش، محمدحسن، (۱۹۹۶)، «الطبعة الثانية»، ادب الاطفال اهدافه و سماته، ارساله، بیروت.
- ۶- جمیز، و کلت، (۱۱۹۰)، مقدمه ای بر روانشناسی
- ۷- الحر، عبدالحمید، (۱۹۹۲)، «احمد شوقی امیر الشعراء و النغم و اللحن و الغنا»، دارالکتب، بیروت.
- ۸- رحماندوست، مصطفی، (۱۳۷۲)، *پرندهگان*، تهران: کتاب‌های گل مریم.
- ۹- _____، (۱۳۷۹)، «فصل بهار بنویس»، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۰- _____، (۱۳۶۸)، *صد دانه یاقوت*، تهران: سازمان چاپ کتاب‌های درسی.
- ۱۱- _____، (۱۳۹۰)، «فارسی دوم دبستان»، *شعر روز خوب پیروزی*، تهران: سازمان چاپ کتاب‌های درسی.
- ۱۲- _____، (۱۳۸۰)، *موسیقی باد*، تهران: مدرسه.
- ۱۳- _____، (۱۳۸۹)، *سگی بود- جنگلی بود*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۴- _____، (۱۳۸۴)، *پرنده گفت به به*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- ۱۵- _____، (۱۳۶۹)، ادبیات کودکان و نوجوانان ویژه مراکز تربیت معلّم، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۶- _____، (۱۳۶۹)، هر پرنده قصّه‌ایست قصّه شنیدنی ست، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۷- _____، (۱۳۹۱)، ترانه‌های شهر (مجموعه پنج جلدی)، تهران: کتاب‌های قاصدک.
- ۱۸- _____، (۱۳۷۲)، خوش به حال ماهی‌ها، تهران: کتاب‌های قاصدک.
- ۱۹- زلط، احمد(ب)، (۱۹۹۴)، ادب الاطفال بین احمد شوقی و محمدعثمان جلال، دارالنشر للجامعات المصریة، قاهره.
- ۲۰- سلاجقه، پروین، (۱۳۸۷)، از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم.
- ۲۱- سلمان خلیفه، طلال، حمید، نامردعاء، (۲۰۱۵)، أنسنه الطبیعة فی شعر الطفولة فی العراق، جامعة بغداد: کلیة التربية للبنات
- ۲۲- شوقی، احمد، (۱۹۸۸)، الشوقیات، جزئین، الطبعة الاولى - الثاني، بیروت: دارالعودة.
- ۲۳- صفایی حائری، علی، (۱۳۸۶)، «تربیت کودک»، نقش معلّم، روش تربیت، عوامل تربیت کودک، (عین- صاد)، قم: لیلۀ القدر.
- ۲۴- العواسی، سالم محمّد، (۲۰۰۶)، ادب الاطفال فی ليبيا، قاهره: مجلس الثقافة.
- ۲۵- الفاخوری، حنا، (۱۹۸۶)، الجامع فی تاریخ الأدب العربی، طبعه الأولى، لبنان، بیروت: دارالجیل.
- ۲۶- کیانوش، محمود، (۱۳۵۲)، شعر کودک در ایران، تهران: آگاه.
- ۲۷- _____، (۱۳۸۶)، شعر زبان کودکی انسان، گفتاری درباره (مبدأ، ماهیت و سیر تحوّل شعر)، لندن.
- ۲۸- مجدی، محمّد شمس‌الدین، (۲۰۰۶)، القصص بین الحقیقة و الخیال، القاهرة: هیئة المصریة العامة للکتاب.
- ۲۹- مصاحبه حضوری نویسنده مقاله در تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۷

- ۳۰- منتظمی، علی، (۱۳۸۵)، *ادب الحیوان، دراسة مقارنة فی الادبین العربی و الفارسی*، تهران: مؤسسه الصادق، الطبعة الاولى.
- ۳۱- موسوی گرمارودی، سید مصطفی، (۱۳۸۲)، *شعر کودک از آغاز تا امروز*، تهران: وزارت فرهنگ.
- ۳۲- نجیب، احمد، (۱۹۷۹)، *مضمون فی کتب الاطفال (دراسات فی ادب الاطفال ۲)*، دار الفکر العربی.
- ۳۳- نیک طلب، بابک و همکاران، (۱۳۸۵)، *از آسمون تا اینجا*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

ب - مقالات

- ۳۴ آزاد، سمانه، (۱۳۹۰)، «شعر کودک ابزار آموزشی نیست»، *نشست آسیب شناسی شعر کودک*، دوره سوم، شماره ۲، رشد آموزش پیش دبستانی.
- ۳۵ سلیمانی، فرامرز، (۱۳۷۰)، «مقدمه‌ای بر ادبیات کودک و نوجوان»، *مجله کلک*، شماره ۱۳، فروردین.
- ۳۶ ملکیان، شیما؛ تهذیبی، نسرین، (۱۳۸۵)، «سیری در ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، مجموعه مقالات همایش ادبیات کودکان و نوجوانان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان.